دیدگاه اساتید

دانشگاه اختلاط درد بی‌درمان

خانم دکتر فروغ نیلچی‌زاده

عدم اختلاط زنان و مردان یکی از اصول بنیادین آیین‌های توحیدی و سلامت‌محور است، به‌گونه‌ای که جداسازی‌های آگاهانه در زمان‌ها و مکان‌هـای خاص نماد ارزش‌گذاری ویژه به زنان و حفظ حرمت و هویت آنها می‌گردد. بی‌توجهی به قداسـت زن به راحتی می‌تواند او را دستخوش ابتذال کند.

یکی از ساده‌ترین راه‌های گسترش این آسیب، اختلاطِ غیرضروری زنان و مردان اسـت، چرا که در هم‌آمیختگیِ حضور زن و مرد، خود زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات کوچک و بزرگ خواهد شد تا جایی که پیامبر اعظم، حضرت محمد مصطفی «صلوات الله علیه و آله اجمعین» می‌فرمایند: «باعِدوا بَینَ اَنفاسِ الرِّجالِ وَ النِّساءِ فَاِنَّهُ اذا کانَتِ المُعاینَه وَ اللِّقاءِ کانَ الدّاءُ الَّذی لا دَواءَ لَه / بین مردان و زنان(نامحرم) فاصله و جدایی بیاندازید [تا با هم برخورد کمتری داشته باشند]؛ زیرا هنگامی که مردان و زنان با هم در تماس باشند و رودرروی یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شـد که درمان ندارد.» (بهشت اخلاق، ج۱، ص۱۱۹)

در این نگاه آسمانی عدم اختلاط یک ضرورتِ جامعه دینی و سالم است و حضرت دقیقاً بر موضوع «درد بی‌درمان» تأکید می‌کنند تا عمق و شدت نابهنجاری را آشکار کنند و از این پاتولوژی رمزگشایی نمایند.

دیدار و ملاقات (معاینه و لقاء) دو ابزار جدی زمینه‌ساز برای طوفانی شدن غرایز جنسی است. اگر در مساجد و حسینیه‌ها، جداسازی زنان و مردان امری طبیعی و پذیرفتنی تلقی می‌شود به خاطر آن است که قداسـت محیط و عمل عبادی که در آن قرار است انجام شود، مورد پذیرش همگان قرار گرفته است و نه اینکه لزوماً گمان کنیم افرادی که به این مکان‌ها می‌آیند دچار نابهنجاری‌اند.

دانشـگاه نیز به عنوان یک مـکان مقدس برای یک فعل مقدس طراحی شـده اسـت؛ یعنی تحصیل علم و دانش که سرمنشأ خیر و خوبی است و در اسلام ناب محمدی «صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم» عبادت تلقی می‌شود.

دانشگاه‌های تک‌جنسیتی قدرت و قابلیت ویژه‌ای دارند که از نظر سـطح علمی، فرهنگی و کارکردی، رتبه‌های نخستین را از آنِ خود کنند و دانشگاه‌های مختلط همواره در معرض آسیب‌های پیدا و پنهان قرار دارند. حال اگر این اختلاط از محیط علمی به محیط تفریحی و

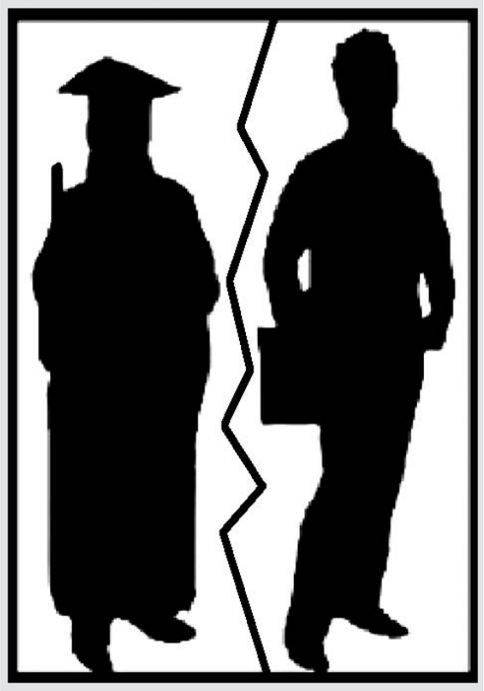

غیرجدی کشیده شود آسیب‌های آن دو چندان خواهد شد.

از ایـن رو مخالفت رهبر حکیم انقلاب با اردوهای مختلط تأکید ویژه بر قوانین فراموش شده در کشور است. ترویج و گسترش اردوهای مختلط در چند وقت اخیر و در سطح دانشگاه‌های کشور، زنگ خطری اسـت برای همهٔ دلسوزان و مصلحین اجتماعی که به انحطاط رفتن نسـل آینده را به چشم می‌بینند. هویت یابی جوان در همانندسازی با دیگران خصوصاً گروه غالب و اکثریت دلیل مهمی اسـت بر اینکه حذف روش‌های غلط و آسیب رسان یک ضرورت غیرقابل انکار است.

وقتی که قرآن کریم در سوره مبارکه اسراء آیه ۳۲ می‌فرماید: «وَلاَ تَقْرَبُواْ الزِّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَـةً وَسَاء سَبِيلًا» در حقیقت از زمینه‌های مستعدکننده انحراف جنسی پرهیز می‌دهد؛ یعنی همان درد بی‌درمانی که پیامبر به آن تأکید کردند.

اختلاط دانشـجویی در محیط‌های شـبه فرهنگی راهی بسیار ناپسند است چراکه نه به پاکدامنی منجر می‌شود، نه به رشد علمی و نه تقویت روحیه ارزشی و فرهنگی، که به قول قرآن یکی از مصادیق «ساء سبیل» است.

توطئه شـیطان برای ترویج اباحی گری و بی‌بند و باری ابزارهای خاص خود را نیاز دارد که اختلاطِ جوانان در دانشگاه‌ها بدون ضرورت، یکی از ابزارهایِ کارآمد آن تلقی می‌شـود و در این میان بر هوس، برند عشـق می‌زنند و هر طغیان جنسـی را توهمِ عاشـقی قلمداد می‌کنند. درگاهِ عشق بسیار والاتر و بالاتر از هرزگی‌ها، شهوت رانی‌ها و بی‌آبرویی‌هایی اسـت که امروز دشمن قصد دارد در میان جوانان آن را دامن بزند.

اختلاط گورستانِ عشق است در لجن‌زارِ ابتذال جنسی. سوءاستفاده از احساسات پاک و دست نخورده جوانان، ارسال و دریافت محرک‌های جنسی با پوشش و آرایش و بگو و بخند و عدم رعایت حریم‌های حیا و سلامت، جزء لوازم طبیعی و بیماری‌زایِ اختلاط است.

به همین دلیل عده‌ای از دختران و پسـران دانشجو امروزه برای حضور در دانشگاه به‌گونه‌ای حاضر می‌شوند که گویی به مجلس عروسی می‌روند. از مدل مو و شلوار و لباس پسران گرفته تا مدل مانتو، شال، روسری و لاک و آرایش چهره و دست دختران.

چنین محیطی نه جایی برای دانش‌جویی است و نه دانش‌اندوزی و نه ارزش‌مداری بلکه خودسـوزی فرهنگی و قربانی کردن آینده و از دست دادن عشقی پاک و ناب در کانون خانواده است. عدم تمایل برخی دانشجویان به ازدواج و منحصر کردنِ هدف ازدواج به رفع عطش جنسی، هر دو از نتایج طبیعی اختلاط‌هایِ نابسامان است.

وقتی که رهبر معظم انقلاب، براساس فرهنگ قرآن می‌فرمایند: «در اسـلام تبرج ممنوع است. تبرج، یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه‌انگیزی؛ این یک نوع فتنه اسـت و خیلی اشکالات دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان یا این پسـر جوان به گناه می‌افتند؛ این اولش است؛ شاید بتوانم بگویم که کوچک‌ترینش است. دنباله‌اش به خانواده‌ها می‌رسد.» (بیانات رهبر انقلاب در ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۲)

و آنگاه که ایشـان می‌فرمایند: «فرهنگ اسـلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است و اسلام با هدف تأمین خوشبختی و پیشرفت زندگی زن و مردم بر روی این مسئله سخت‌گیری کرده است و این نقطه مقابل خواست قدرتمندان و زراندوزان شهوت‌ران جهان است که برای از میان برداشتن حجاب بین زن و مرد تلاش می‌کنند.» (بیانات رهبر انقلاب در ۲۰ مهرماه ۱۳۷۳)

استاد دانشگاه

از «تور اروپاگردی دانشجویی» تا «اردوی مختلط کوهنوردی» و ...

«اردوهای مختلط دانشجویی» در روز روشن!

سرویس علمی-آموزشی

چنـد هفته‌ای اسـت که کلیـدواژه «اردوهای مختلط دانشـگاهی» بـه یکـی از سرخط‌های اصلی رسانه‌های کشـور تبدیل شـده است. اهمیت این موضـوع زمانی مضاعف شـد که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار اخیرشـان با مسـئولان آمـوزش عالی کشـور، با انتقـاد صریح از برپایـی اردوهای مختلط در برخی دانشـگاه‌های کشور، خاطرنشان کردند: «بعضی‌ها کار فرهنگـی را در داخـل دانشگاه با کنسرت و اردوهای مختلـط اشـتباه گرفته‌اند؛ می‌گویند باید دانشـجو شاد باشـد! شـاد بودن برای هر محیطی چیز خوبی است اما به چه قیمتی؟ غربی‌ها چقدر بهره برده‌انـد از این اختلاط دختر و پسر که ما بهره ببریم؟ یک روزی به ما می‌گفتند که در اروپا حجاب نیسـت و زن و مـرد با هم قاطی‌اند، هوس و شوق جنسـی هم در آنجا طبعا کنترل‌شده است. خب، حالا شـما نگاه کنید ببینید همین‌جور است؟ آیا هوس‌ها کنترل‌شده است یا هوس‌ها تحریک‌شده است؟ این‌همه جنایت جنسی امروز دارد در آمریکا و در اروپا اتّفاق می‌افتد؛ به جنس مخالف هم دیگر حالا اکتفا نمی‌کنند! و از این بدتر هم خواهد شد. اسلام انسان را شناخته است که حکم حجاب را داده، حکـم عدم اختلاط زن و مـرد را داده. اردوی مختلط یعنی چه؟ کوهنوردی مختلط، اردوی مختلط، گاهی حتی خارج از کشور! نه، کار فرهنگی ماهیت دیگری دارد، مفهوم دیگری دارد. مسئولین فرهنگی دانشـگاه‌ها بفهمند چه‌کار می‌کنند.» (بیانات رهبر انقلاب در ۲۰ آبان‌ماه ۱۳۹۴)

پس از این هشدار و انذار رهبـر انقلاب بود که یک به یک مسئولان وزارت علوم در دولت یازدهم، با تایید ظاهری رهنمودهـای معظم‌له، منکر برپایی هرگونه اردوی مختلط در دانشگاه‌های کشور شدند و از لـزوم برخورد با تخلفات این‌چنینی خبر دادند.

اما هنوز چند روز از انکار پیش‌دستانه مسئولین وزارت علوم در عدم برگزاری اردوهای مختلط نگذشته، اخبار منتشر شـده از برخی دانشگاه‌های پایتخت، حاکـی از وضعیت بغرنـج و به قهقـرا رفته در برپایـی این‌گونه اردوهای به ظاهر دانشجویی است!

به عنـوان نمونه، اخیرا بر روی بُـرد اعلانـات معاونت فرهنگـی و اجتماعی برخی از دانشـگاه‌های تهـران - به‌طور مثال «دانشـگاه علم و صنعـت» - یـک آگهـی با عنـوان «هشـتمین دوره سفرهای دانشجویی به اروپا» نصب شده، که باعث تعجب دانشجویان شده است!

ایـن اردو ۱۴روزه در نوروز ۹۵ برگزار می‌شـود و دانشـجویان علاقه‌مند(!) در این سفر از کشورهای یونان، ایتالیا، سـوئیس، فرانسـه و اسپانیا دیدن خواهند کرد و دانشجویان متقاضی بابت این سفر مبلغی بالغ بر ۲۷۰۰ یورو - معادل ۱۰ الی ۱۲ میلیون تومان! - را تقبل خواهند نمود!

جالب آنکه پس از تماس بـا مسـئول برگـزاری این تور اروپاگردی دانشـجویی، نامبرده نه تنها پروسه دریافت مجوز خروج از کشـور برای دانشـجویان متقاضی را «به راحتی آب خوردن» و «خیلی راحـت» توصیف می‌کند که حتی متعهد می‌شود تا شخصا نیز وظیفه توجیه همه‌جانبه والدین مردد را بر عهده بگیرد!

مضـاف بر این، مسـئول برپایی ایـن اردوی مختلط اروپایی، اصـل برگزاری این اردوی دانشـجویی را مربوط به «دانشگاه هنر» و «دانشگاه تهران» دانسته و اظهار می‌دارد که این اردو قریب به ۸ سال اسـت که به‌طور پیوسته در حال برگزاری است!

افزون بر این، دانشجویان دانشـگاه امیرکبیر نیز اخیرا از برپایـی اردوی کوهنوردی مختلط در یکی از دانشکده‌های این دانشـگاه خبر داده‌اند! بر این اساس در پوستر تبلیغاتی این اردوی مختلط - که آرم دانشـگاه امیرکبیر نیز بر آن نقش بسته است! - دانشکده مهندسـی مکانیـک ایـن دانشگاه از تمامی دانشجویان علاقه‌مند دعوت کرده است تا در این گردهمایی به اصطلاح فرهنگی حضور داشته باشند!

در تازه‌تریـن مـورد اما دانشـجویان واحـد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد با ارسال پوسـتری به خبرگزاری‌ها، از برگـزاری اردوی مختلط کویرنوردی و سافاری، همراه با شترسواری و تور ستاره‌شناسی خبر دادند! جالب آنکه هزینه شرکت در این اردوی یک‌روزه کذایی برای هر دانشـجوی متقاضی، ۲۰۰ هـزار تومان تعیین شده است!

همچنیـن طـی چنـد روز گذشـته، شـوی لباس دانشجویی به صورت مختلط با حضور دانشجویان دختر و پسر در یکی از تالارهای دانشگاهی در شهر بیرجند برگزار شد که در این مراسم علاوه بر مختلط بـودن دانشـجویان و وضع نامناسب حجاب حاضران، از موسیقی‌های غیرشرعی نیز استفاده شده است!

این درحالیست که پیش از ایـن نیـز یک فسـتیوال کویرنوردی مختلط، کنسرت موسـیقی بـا رقـص و... در دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی انجام شده اما پیگیری مناسبی از سوی مسئولان امر صورت نگرفته است!

یکـی از نقاط حسـاس و تاثیرگـذار در حـوزه فرهنگ‌سازی و رابط مستقیم این حوزه با دانشجو و دانشگاه، معاونت فرهنگی وزارت علوم، بهداشت و دانشگاه آزاد است که همه تشکل‌ها، کانون‌ها و نهادهای فرهنگی دانشگاه‌ها هم با واسـطه و بدون واسطه زیـر مجموعه آن هسـتند که در صورت عـدم کارکرد مناسـب می‌توانـد موجبات انحراف دانشجویان را فراهم کنند؛ نکته‌ای که رهبر انقلاب در دیدارهـای متعـدد طی سـال‌های اخیر بر آن تاکید ویژه داشتند.

آنچه در دو سال گذشته در فضای فرهنگی دانشگاه‌های کشـور مشهود اسـت تغییر نگاه کلان مدیریتی در مسائل و فعالیت‌های فرهنگی است؛ چنانچه برگزاری کنسرت‌ها، اردوهای مختلط، شوی لباس و مراسـم‌هایی از این دست موجب کم رنگ‌تر شـدن و به حاشیه رفتن دیگر مسائل مهم از جمله مسئله علمی در دانشگاه‌ها شده است.

بـروز اتفاقاتـی از قبیل اجراهـای زنده کنسـرت و گروه‌های موسـیقی و هم‌نوا شدن دانشجویان با آن و حتی رقاصی برخی دانشجونمایان، از جمله معضلاتی اسـت که وضعیت فرهنگی دانشگاه‌های کشـور را با علامت سـؤالی بزرگ مواجه کرده است!

جای دارد مسئولان وزارت علـوم و سـایر دولتمردان دست‌اندرکار در حوزه آموزش عالی کشـور بـا نصب‌العین قـرار دادن منویـات رهبر حکیـم نظام، مانـع از نفوذ فرهنگی در میان دانشجویان ایران اسلامی شوند؛ چنانکه فرمودند: «حضور در اردوهای جهادی خیلی خوب اسـت. نگویید وقتمان تلف می‌شود؛ نه، بیشترین و بهترین استفاده از وقـت همین اسـت. این اردوهای جهـادی به مراتب بهتر از اردوهایی اسـت که متأسـفانه هنوز هم معمول اسـت. با اینکه من هشـدار داده‌ام، بعضی‌ها اردو درست می‌کنند که بفرسـتند اروپا؛ اردوی دانشـجویی به اروپا! یکـی از غلط‌ترین کارها این اسـت؛ این اردوی جهادی، از آن بـه مراتـب بهتـر و شـرافتمندانه‌تر و مفیدتـر اسـت. حضـور در اردوهای جهادی، تماس مسـتقیم با مردم، احساس مسئولیت پیدا می‌کنید. انسان وقتی خدمت کرد به‌طور مستقیم، خدمت در چشم انسان عزیز می‌شود؛ نقاط ضعف را پیدا می‌کنید.» (بیانـات رهبر انقلاب در ۲۲ مهرماه ۱۳۹۴)

*** اخیرا بر روی بُرد اعلانات برخی از دانشگاه‌های تهران - به‌طور مثال «دانشگاه علم و صنعت» - یک آگهی با عنوان «هشتمین دوره سفرهای دانشجویی به اروپا» نصب شده، که باعث تعجب دانشجویان شده است! افزون بر این، دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیز اخیرا از برپایی اردوی کوهنوردی مختلط در یکی از دانشکده‌های این دانشگاه خبر داده‌اند!**

«اسلام رحمانی» اسم رمز فتنه «نفوذ»!

دکتر حسن ملک‌زاده

*** امام خمینی(ره) بر این امر تأکید ورزیدند که اسلامی که قائل به مصافحه و مسامحه با مستکبران باشد، اسلام آمریکایی است و بدیهی است که هر جریان فکری و سیاسی که عناصر و دقایق گفتمانش را ذیل شناسه‌هایی چون اسلام رحمانی، تنش‌زدایی با غرب و پذیرش بی‌چون و چرای نظم نوین جهانی تعریف کند، از خانواده انقلاب اسلامی محسوب نمی‌شود و بهترین گزینه جهت برخورد با این منافقان، اخراج سیاسی این جماعت واداده است.**

برکشـیدن انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و تحولات مترتب بر آن، تغییرات شگرفی در نظام فکری ایران زمین ایجاد نمود و جالب‌تر اینکه سرعت و شتاب این تحولات و تغییرات به قدری سریع و پربسامد بود که حتی سرسخت‌ترین و متعصب‌ترین مدافعان پارادایم مدرنیته نیز مجبور به تمجید و ستایش از این انقلاب بی‌نظیر شدند.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسـلامی شـماری از نظریه‌پردازان و استراتژیست‌های ایرانی و غربی تصور می‌کردند که جامعه ایرانی در سایه پیاده نمودن سیاست‌های تجددگرایانه از جانب رژیم پهلوی با شدت هرچه تمام در حال بدل گشتن به یک جامعه مدرنیستی است ولی در آن برهه نظریه‌پردازانی هم بودند که با دیده شـک و تردید در باب مدرن شـدن جامعه ایرانی می‌نگریستند و درست از این رو بود که برخی از کارگزاران واقع بین رژیم پهلوی بر آن شـدند تا به واسطه به کار گرفتن شماری از روشنفکران شبه‌مذهبی در اتاق‌های فکر رژیم شاهنشـاهی، در برابر موج اسلام‌خواهی که در حال ریشه دوانـدن در تار و پود جامعه ایرانی بود بایسـتند و اجازه ندهند که اسلامیون انقلابی زمام امور کشور را بر عهده گیرند.

سیدحسین نصر و احسان نراقی از جمله متفکران نامداری بودند که سـعی نمودند به واسطه تفسیری شریعت‌ستیزانه از دین، راه را جهت بسط و اشاعه تفاسیر عرفانی و باطنی از دین هموار کنند و از این رهگذر از دامنه نفوذ اسلام فقاهتی و انقلابی در پهنه سیاسی و فکری کشور بکاهند. فرح دیبا (پهلوی) که برخلاف دیگر سران دربار، قائـل به بهره‌گیری از قدرت متافیزیکی در برابر قدرت فیزیکی بود درصدد بود که به واسطه مدد جستن از روشنفکرانی از جنس نصر و نراقی، به نوعی بر بازتقریر و بازسـازی گفتمانی نظام شاهنشاهی همت گمارد.

عناصر و دقایق سـازنده گفتمان جدیدی که فرح و همقطارانش درصـدد هژمونیک شـدن آن بودنـد در پرتو شناسـه‌هایی چون معنویت‌گرایی، ایران‌گرایی و غرب‌گرایی تعریف و صورت‌بندی می‌شد. حاملان و عاملان فراگفتمان پهلویسـم بر آن بودند که به واسـطه ارتبـاط فعال با جریان‌های میانه روی منتقد حکومت، میان صفوف مخالفین حکومت شاهنشاهی شکاف بیندازند و بدین وسیله شعاع عمل نیروهای مخالف را محدود کنند.

نهضـت آزادی ایران از جمله جریاناتی بـود که به صورت پیدا و پنهان ارتباطاتی با نهادهای طاغوتی داشـت و سـوابق و عملکرد این جریان لیبرال شـبه‌مذهبی به وضوح گویای این حقیقت است که مهدی بازرگان به عنوان شـخصیتی اثرگذار در اسـتراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نهضت آزادی، هرگز با مبانی فقهی و شریعت‌مدارانه دین اسـلام سـازگار نبود و رهیافت او به دین، متاثر از رویکردهای پوزیتیویستی و عمل‌گرایانه بود. بازرگان در خوش‌بینانه‌ترین تفسیر از آراء و مواضعش، درصدد اصلاح تدریجی حکومت شاهنشاهی بود و وی در مقاطع مختلف حیات رژیم پهلوی سـر سوزنی عقبگرد از مراتب ارادات و وفاداری خویش به نظام شاهنشاهی نداشت.

افزون بر جریان نهضت آزادی که دسـت همکاری رژیم پهلوی را فشـرد؛ دیگر جریانـات التقاطی و انحرافی که مبلغان تفاسـیر مارکسیسـتی، لیبرالیسـتی و عرفانی از دین بودند از شرکای مهم حکومت پهلوی به شمار می‌آمدند. حکومت پهلوی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد با کاربست خشونت عریان علیه مخالفین طرفی نبسته بود، درصدد بود با بزک نمودن چهره خشن و غیرانسانی خویش نزد توده‌ها و افکار عمومی، سقوط محتومش را به تأخیر بیندازد ولی واقعیت این بـود که در میان تمامی این هلهله‌ها و هیاهوهای مجیزگویان رژیم پهلوی، این صدای گیرا و رسـای خمینی کبیر(ره) بود که لرزه بر خانه عنکبوتی طاغوتیان انداخت و به تمامی جهانیان نشان داد که تنها صدای حقیقی دین، همان صدای روحانیت انقلابی است که در درازای تاریخ پر فراز و فرود ایران زمین تنها پرچمدار حقیقی صیانت از ارزش‌های اسلامی و ملی بوده است.

امام خمینـی(ره) به عنوان تنها حقیقت زنده و پویای اسـلام ناب محمدی(ص) بر این امر تأکید ورزیدند که اسلامی که قائل به مصافحه و مسامحه با مستکبران باشد، اسلام آمریکایی است و بدیهی است که هر جریان فکری و سیاسی که عناصر و دقایق گفتمانش را ذیل شناسه‌هایی چون اسلام رحمانی، تنش‌زدایی با غرب و پذیرش بی‌چـون و چرای نظم نوین جهانـی تعریف کند، از خانواده انقلاب اسـلامی محسوب نمی‌شـود و بهترین گزینه جهت برخورد با این منافقان و نامحرمان، اخراج فکری و سیاسی این جماعت واداده است.

با پیروزی انقلاب اسـلامی، بسـیاری از جریان‌های التقاطی و انحرافی که البته نقش قابل توجهی هم در همکاری و همدسـتی با رژیم شاهنشاهی داشتند یک شبه رنگ عوض کردند و منافقانه سعی نمودند خود را در هیبت و هیئتی انقلابی به جامعه ایرانی بفروشند اما دیری نپایید که این سیه‌رویان رسوا که در ابتدای انقلاب ریاکارانه، کباده دفاع از اسلام و انقلاب را می‌کشیدند، ماسک‌های انقلابی‌گری و ارزش‌مداری را از چهره برداشتند و تحت لوای شعارهای پرطمطراقی چون تنش‌زدایی و اخلاق‌مداری تیشه به ریشه ارزش‌های اسلامی و انقلابی زدند ولی به محض اینکه متوجه شدند در برابر مبانی عقلانی و معرفتی اساتید و روشنفکران انقلابی، مطلب درخور و دندان‌گیری جهت عرضه به دانشجویان و جوانان انقلابی این دیار ندارند، وارد فاز مسلحانه مقابله با انقلاب اسلامی شدند.

اقدامات تروریستی گروهک منافقین، فرقان و دیگر گروهک‌های الحادی و التقاطی از جمله اقدامات سخت و خشنی بود که در قالب برخورد فیزیکال با نظام اسـلامی صورت گرفـت. در حوزه نظری و سیاسـی نیز نهضت آزادی بـا همراهی گروهک‌هایی چون حزب خلق مسلمان، درصدد بودند تا از طریق نفوذ معرفتی و سیاسی در کانون‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، طوق وابستگی به بیگانگان را بـر گردن مردم ایران بیندازند. البته ناگفته نماند که در دهه اول انقلاب گرچه موج هجمه‌هـا و تخریب‌های عوامل ضدانقلاب علیه مبانی انقلاب اسـلامی بسیار سـنگین و پردامنه بود ولی به دلیل فقدان حمایت قاطبه مردم از جریان‌های ملحد و منحط، تلاش‌های دیرپای معاندین در به شکسـت کشاندن انقلاب به جایی نرسید و در سـایه هدایت‌های حکیمانه امام راحل(ره) و همراهی آحاد ملت با یاران و همراهان انقلاب، ضربات مهلکی بر پیکره ایادی اسـتکبار در ایران وارد شد.

پس از اتمام جنگ تحمیلی و متعاقب آن رحلت جانسـوز امام امت، بار دیگر سرحلقه‌های وابسته به جریانات انحرافی و التقاطی، آرام‌آرام به مراکز و کانون‌های حساس تصمیم‌سازی کشور رخنه پیدا کردند و در سایه حمایت‌های بی‌شائبه شماری از مسئولین دولتی، بسیاری از اساتید و روشنفکران حامی گفتمان اسلام رحمانی مجال مانور و عرض اندام در دانشگاه‌های کشور پیدا کردند.

عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری از جمله نامدارترین روشـنفکرانی بودند که با تقریر مقالات و کتب متعدد، شـروع به شبهه‌افکنی در مبانی وثیق دینی کردند و این سخن را به میان آوردند که مهمترین و اصلی‌ترین بخش دین، اخلاق و عرفان است و دوران حاکمیت اسلام فقاهتی و ایدئولوژیک به سر آمده است. عبدالکریم سـروش که بعدها اسناد وابستگی و سرسپردگی‌اش به کانون‌های فراماسونی و استکباری افشا شد، آشکارا اصالت وحی و بسیاری از محکمات دینی را به چالش گرفت و دسـت آخر این سـخن را به میان آورد که اسلام، رسالتی در باب اداره امور سیاسی جامعه ندارد و تنها کارکرد دین مربوط به اصلاح شئون اخلاقی نوع بشر است.

به موازات هتاکی‌های سروش و شبستری علیه مقدسات دینی، شماری از اسـاتید منحرف و مسئله‌دار هم که دل در گرو انقلاب نداشتند در پناه حمایت‌های بی‌دریغ شماری از خواص بی‌بصیرت به استخدام گروه‌های آموزشی علوم انسانی درآمدند تا از این رهگذر بسـترها و منافذ لازم جهت رخنه به گلوگاه‌های حساس سیاسی و فرهنگی کشـور فراهم شود. گرچه به روی کار آمدن دولت نهم، بارقه‌های امید بسیاری را نزد دوستداران انقلاب جهت بهبود فضای علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها پدیدار نمود ولی شوربختانه باید اذعان کرد که با وجود تلاش‌های بسـیار صورت گرفته در دو دولت نهم و دهم جهت ریشه‌کنی عوامل نفوذی از پهنه دانشگاه‌های کشور، به واسـطه حمایت‌های بی‌دریغ حلقه انحرافی از عناصر مشکوک و منحرف، شـمار قابل توجهـی از عناصر مؤمن‌نما و فرصت‌طلب توانستند به عنوان استاد و مدیر نفوذی به دانشگاه‌های کشور نفوذ کنند و طرفه اینکه بسیاری از همین مدیران و اساتید انحرافی هم اکنون نیز تحت‌الحمایه افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی هستند و به نظر می‌رسد اتحاد نانوشته‌ای میان مدیران و اساتید انحرافی و فتنه‌گر جهت تداوم بقای جریانات انحرافی و التقاطی صورت گرفته است.

واقعیت این است که چه در دوران سازندگی و اصلاحات و چه در دوران بعـد از آن، هیچ‌گاه جریانات حزب‌اللهی اصیل و انقلابی زمام امور فرهنگی و علمی کشـور را بر عهده نداشته‌اند و در اکثر مواقع این تکنوکرات‌ها بوده‌اند که از طریق تکیه زدن بر کلیدی‌ترین مسـئولیت‌های اجرایی و به واسـطه اجرا و اعمال سیاسـت‌های ضدارزشـی، جریان‌های ولایت‌مدار را به حاشیه رانده‌اند. امروز با وجود اینکه نزدیک به چهار دهه از حیات انقلاب اسلامی می‌گذرد عناصر مؤمن و حزب‌اللهی به واسـطه تسلط گفتمان تکنوکراتیزم و بوروکراتیزم سـهم ناچیزی در روند سیاسـتگذاری‌های علمی و فرهنگی کشـور دارند و این عملگرایان و مصلحت‌گرایان هستند که با خشونت گفتمانی توانسته‌اند نبض سیاستگذاری‌های علمی و فرهنگی کشـور را در دست گیرند. با وجود هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر جدی گرفتن مسئله نفوذ در سپهر فرهنگی و سیاسی کشور، مسـئولین ذی‌ربط هیچ اقدام شایان و درخوری جهت جامه عمل پوشاندن به منویات معظم‌له به عمل نیاورده‌اند. امروز شـاهد و ناظریم که حیات علمی و آینده شغلی شمار زیادی از نخبـگان حزب‌اللهی و ولایتمدار به دلیل اعمال سـلایق خطی و جناحی یک جریان مرموز و مسـئله‌دار که سـوابق تیره و تاری در حمایت از مروجان اسـلام رحمانی دارد به خطر افتاده است و حزن‌انگیزتـر اینکه هیچ نهـاد دولتی هم جهت احقاق حقوق این مظلومان اقدامی صورت نداده است.

امید است با توجه به تصریحات رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر جدی گرفتن خطر نفوذ در کشور، تمامی مسئولین دلسوز کشور اقدامات مؤثری جهت ریشه‌کنی شبکه‌های اختاپوسی نفوذ در دانشگاه‌های کشور به عمل آورند و اجازه ندهند که زمام امور فرهنگی و علمی کشـور به دست کسـانی بیفتد که در صدد ترویج و تبلیغ قرائتی اومانیستی و فقه‌ستیزانه از دین هستند.

استاد دانشگاه

دانشگاه در جبهه - ۱۲۹

دانشجوی شهید محمود اسدی

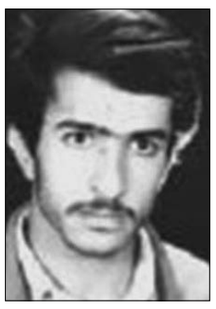

شهید محمود اسدی در سـال ۱۳۴۸ متولد شد. وی چهار سال ابتدایی را در مدرسه مالک اشتر تحصیل نمود و سال چهارم را به‌طور جهشـی در سه ماه تابسـتان گذراند و تحصیلات خویش را تا دوره راهنمایی با موفقیت پشت سر گذاشت و در دوره دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک مشـغول شد و بعد از اتمام تحصیل در دبیرستان در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت کرد و در دانشگاه تهران رشته مهندسی مواد و متالوژی پذیرفته شد.

با بمباران و اعزام دانشـجویان به جبهه‌ها دانشگاه‌ها به‌خصوص دانشگاه تهران به صورت نیمه تعطیل درآمد و سرانجام در طی عملیات مرصاد و در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۷ به دیار عاشقان پیوست .

در بخش‌هایی از وصیت نامه بسـیجی دانشـجو «شهید محمود اسدی» می‌خوانیم:

با عرض ادب خدمـت آقا امام زمان(عج) که دنیایی در انتظارش می‌سوزد و رهبر کبیر انقلاب(ره) و شهیدان خونین کفن.

بنده حقیر سراپا تقصیر هرگاه به گذشته خود فکر می‌کنم تنم به لرزه می‌افتد که وقتی با کوله‌باری از گناهان پا به آن سـرا می‌گذارم سـرپا ایستادن برایم مشکل می‌شود و اینجا معنویت جبهه این گریه و زاری کردن‌ها برای امام‌حسین(ع) و ائمه(ع) و توسل جستن به آنها به فریادم می‌رسد و قدم هایم را استوار می‌گرداند.

جبهه مکان بالا بردن معنویت‌هاست و انسان عاشق شهادت می‌شود و اینجاست که آدمی از همه چیز دل می‌کند و چشم می‌پوشد و اگر هزاران بار او را در راه پروردگارش بکشـند و باز زنده‌اش کنند باز هم پروایی از شهادت ندارد.

از شما می‌خواهم حامی همیشگی امام(ره) و پشتیبان رزمندگان خود باشـید. پیوسته ذاکر خداوند باشید. بسیار دعا و مناجات کنید. قرآن را زیاد بخوانید. همواره با وضو باشـید. نماز را اول وقت بخوانید و شـما را به جهاد سفارش می‌کنم که پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «اوج مسلمانی جهاد در راه خداست که جز مسلمانان برجسته به آن نمی‌رسند.»

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه، تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بیانیه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با مقولات دانشجویی استقبال می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شـده مطالب مدنظر خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند. بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشـار یا عدم انتشار متون ارسالی، آزاد است.